

نظام جنس دستوری در گویش جوشقانی

والی رضایی^۱

سید غیاث‌الدین رضویان^۲

چکیده

در این پژوهش نظام جنسیت دستوری در گویش جوشقانی، یکی از گویش‌های مرکزی ایران، بررسی شده است. ابتدا، ضمن تعریف جنسیت دستوری به بیان پیشینه و مبانی نظری پژوهش پرداخته شده است. داده‌های این پژوهش از گویش‌وران بومی و از گفتار افراد بی‌سواد و یا کم‌سواد ضبط شده و پس از طبقه‌بندی آنها بر اساس رویکرده‌شناختی کورت (۱۹۹۱ و ۲۰۰۷) تحلیل شده‌اند. جنسیت دستوری در این گویش شامل یک تمایز دوگانه مذکر و مؤنث در تمامی اسم‌ها می‌باشد که با اضافه کردنوند *-æ* در اسم مذکر و *-e* در اسم مؤنث ظاهر می‌شود. تظاهر ساختوازی جنسیت تنها در سوم شخص مفرد صورت می‌گیرد و در دیگر اشخاص جنسیت ظاهر نمی‌شود. جنسیت در این گویش به جانداران اختصاص ندارد و اسامی بی‌جان و اشیاء نیز نشانه جنسیت دارند. در این پژوهش هم‌چنین به معیارهای تعیین جنسیت برای غیرجانداران پرداخته شده است. برخی از معیارها مانند اندازه اشیاء، همراهی مفهومی، جنسیت افسانه‌ای و نیز معیارهای آوایی در تعیین جنسیت در این گویش نقش دارند. در رده‌بندی زبان‌ها از لحاظ جنسیت، این گویش در زمره زبان‌هایی قرار می‌گیرد که از دو نوع جنسیت مذکر و مؤنث برخوردارند که تنها در اسم مفرد ظهور پیدا می‌کند و در صورت‌های جمع، اسم از نشانه جنسیت برخوردار نیست. در این گویش جنسیت خنثی وجود ندارد. بنابراین، این گویش دارای نظام همگرا در جنسیت دستوری است. این مقاله به بررسی جهانی‌های گرینبرگ در مورد جنسیت نیز می‌پردازد و نشان می‌دهد که همه جهانی‌های تلویحی گرینبرگ در مورد جنسیت در این گویش صادق است.

کلیدواژه‌ها: گویش جوشقانی، جنسیت دستوری، رده‌شناسی، مذکر، مؤنث

۱. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه اصفهان

Email: vali.rezai@fgn.ui.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه اصفهان

۱. مقدمه

کوربت (۲۰۰۷) می‌نویسد با این که مطالعاتی درخور توجه در مورد جنسیت دستوری در زبان‌های دنیا صورت گرفته است، اما هنوز نظام جنسیت در بسیاری از زبان‌های مختلف به طور کامل بررسی نشده است. او می‌افزاید فرصت چندانی نیز برای این کار باقی نمانده است؛ زیرا بسیاری از زبان‌های دارای جنسیت به سرعت از بین می‌روند. بنابراین، بررسی و مستندسازی این زبان‌ها کاری است که باید در اسرع وقت انجام پذیرد. جنسیت دستوری یکی از مقوله‌هایی است که بسیار مورد توجه زبان‌شناسان قرار گرفته است. این مقوله در زبان‌های هندواروپایی متداول است و در برخی دیگر از زبان‌ها نیز یافت می‌شود. تالرمین* (۲۰۱۵: ۵۳) معتقد است که در بسیاری از زبان‌ها اسم‌ها در جنسیت یا دسته‌بندی‌های مختلفی قرار می‌گیرند. عمدتاً این دسته‌بندی‌ها دستوری هستند و ممکن است رابطه‌ای ضعیف با معنا داشته باشند. جنسیت ممکن است تنها بر روی اسم نشان داده شود. به عنوان مثال در اسپانیایی و ایتالیایی اسم‌های مختوم به 0- معمولاً مذکر و آن‌هایی که به a- ختم می‌شوند، مؤنث هستند. در برخی از زبان‌ها مانند فرانسوی و آلمانی نشانه جنسیت تنها بر روی اسم قرار ندارد، بلکه از طریق حرف تعریف نیز مشخص می‌شود.

در این مقاله جنسیت دستوری در گویش جوشقانی بررسی می‌شود. گویش جوشقانی یکی از معدود گویش‌های ایرانی است که از جنسیت دستوری برخوردار است. این گویش در شهر جوشقان قالی رواج دارد. گویش جوشقانی یکی از گویش‌های مرکزی ایران است که خود شاخه‌ای از گویش‌های شمال غربی ایران است. شهرها و روستاهای اطراف جوشقان نیز به گونه‌های مختلفی از این گویش صحبت می‌کنند. شهر جوشقان قالی در بخش قمصر شهرستان کاشان در استان اصفهان قرار دارد. این شهر در جنوب شهرستان کاشان واقع شده و فاصله آن تا شهر کاشان هشتاد کیلومتر و تا مرکز استان صدوپنچ کیلومتر است. این شهر در دامنه کوه‌های رشته کوه کرکس قرار دارد و از آب‌وهوای سرد و معتدل برخوردار است.

داده‌های این تحقیق از گفتار گویشوران بومی جوشقان فراهم شده است. این داده‌ها توسط پژوهشگران از افراد کم‌سواد و یا بی‌سواد ساکن در این منطقه جمع‌آوری شده است. از بین گفتارهای افراد مواردی که به موضوع پژوهش مربوط می‌شد، استخراج گشته و پس از تحلیل و بررسی، از برخی مثال‌ها در این مقاله استفاده شده است. آنگاه بر اساس چارچوب رده‌شناسی کوربت سعی شده تا

1. Tallerman

گویش جوشقانی از لحاظ جنسیت دستوری بررسی شود تا تشابهات و تفاوت‌های کاربرد جنسیت دستوری در این گویش با دیگر زبان‌ها مشخص گردد. بر این اساس، ابتدا انواع انتساب جنسیت* بررسی شده‌اند. در تقسیم‌بندی جنسیت، به دو نوع طبیعی و دستوری می‌توان اشاره نمود. جنسیت طبیعی که در بسیاری از زبان‌ها وجود دارد، شامل اسم‌های مختلفی است که برای جانداران دارای جنسیت مذکر و مؤنث مورد استفاده قرار می‌گیرد و جنسیت دستوری که در صورت‌های گوناگون در کلمه ظاهر می‌شود، در برخی از زبان‌ها یافت می‌شود و علاوه بر جانداران، برای اشیاء نیز به کار می‌رود. بر این اساس هر کلمه‌ای که بر جنس خاصی دلالت می‌کند، دارای تکواژی است که آن را از بقیه متمایز می‌کند. اسم‌هایی که دارای نشانه‌های مذکر و یا مؤنث هستند همیشه مذکر یا مؤنث واقعی نیستند، بلکه گاهی مجازی‌اند. از جمله این زبان‌ها می‌توان به اوستایی و فارسی باستان و زبان‌های عربی، روسی، اسپانیایی، فرانسوی، آلمانی و ... اشاره نمود (سبزعلیپور ۱۳۹۲). در این پژوهش در پی یافتن پاسخ پرسش‌های زیر بوده‌ایم:

الف) انتساب جنسیت در گویش جوشقانی طبق چه معیارهایی صورت می‌گیرد؟

ب) تظاهر جنسیت در این گویش چگونه است و تکواژهای به کار رفته کدامند؟

ج) رده‌شناسی جنسیت در این گویش چگونه است؟

لازم به توضیح است که این مقاله جنسیت را به عنوان مقوله‌ای تصریفی مربوط به اسم و تظاهر ساختواژی آن بررسی کرده‌است. جنسیت دستوری در مطابقه نیز در این گویش دارای نظام پیچیده‌ای است که بررسی آن به مجال دیگری نیازمند است.

۲. پیشینه تحقیق

واژه جنسیت از واژه لاتین *genus* است که از طریق واژه فرانسوی *genre* که در اصل به معنای "نوع" می‌باشد، وارد زبان انگلیسی شده است (کوربت ۲۰۰۷). جنسیت دستوری در زبان‌های دنیا بسیار مورد توجه محققان قرار گرفته است. به نظر روبینز^۱ (۱۹۵۱: ۱۵) بحث‌های قرن پنجم پیرامون جنسیت نشان می‌دهد که در مورد این مقوله دو حقیقت در آن زمان مکشوف بوده است؛ اولاً، ساختار صوری آن که به عنوان معرف تطابق بین کلمات در گروه‌بندی‌های دستوری می‌باشد و ثانیاً رابطه بین مذکر و مؤنث و جنسیت طبیعی.

^۱.gender assignment

^۱ Robins

گرینبرگ (۱۹۷۸) به بررسی در زمانی وندهای مخصوص جنسیت در زبان‌های مختلف می‌پردازد و به چگونگی تغییرات آن‌ها در طول زمان اشاره می‌کند.

آدرینگ* (۲۰۰۸) شواهدی از زبان‌های دارای جنسیت ضمیری ارائه می‌دهد و به بررسی نظام جنسیت ضمیری در برخی زبان‌ها از جمله انگلیسی، زنده^۱، دیربال^۲ و چند زبان دیگر می‌پردازد. شفروس^۳ (۲۰۰۳: ۸۷) درباره جنسیت در فرانسوی می‌نویسد: «فرانسوی دارای جنسیت مؤنث و مذکر است. با نگاه در زمانی، جنسیت مذکر نقش وسیع‌تری از لاتین تا فرانسه از طریق جذب بسیاری از کلمات خنثی کسب نموده است. در فرانسوی معاصر مفهوم خنثی از لحاظ معنایی فقط در ضمائر نامعین باقی می‌ماند. [به عنوان مثال le (آن) ضمیر مفعولی، il (آن) ضمیر فاعلی، cela (این) و quoi (آن‌چه)]»

یارشاطر (۱۹۸۲) در توصیف گویش ایبانه‌ای به وجود جنسیت در این گویش اشاره می‌کند و نشانه جنسیت دستوری را در مؤنث عموماً -a (karg-a مرغ، bal-a بیل) در صفات (sü-r-a gü-l-a گل قرمز) و در صفات اشاره دور و نزدیک (nin-a/nin این و non-a/non آن) که هم صفت اشاره است و هم ضمیر شخصی و صفات عددی مثل e/ye (یک) که هم چنین بیانگر حروف تعریف نامعین می‌باشد، می‌داند. وی هم چنین در فعل ربطی در دوم شخص مفرد -a/-e در سوم شخص مفرد a/asa، سوم شخص مفرد زمان گذشته‌ی فعل‌های ناگذر (bākat-a/bākat افتاد) را مثال می‌زند. در فعل‌های گذرای گذشته در مطابقت با مفعول جنسیت را می‌توان مشاهده نمود.

لمبتون (۱۹۳۸) در مورد جنسیت در گویش جوشقانی می‌گوید که جنسیت مذکر در برخی از کلمات با اضافه کردن -a و جنسیت مؤنث با اضافه کردن -e بیان می‌شود. هم چنین وی به ضمائر شخصی سوم شخص مفرد اشاره می‌کند که در جنسیت مذکر و مؤنث متفاوت می‌باشند: nun-a (F) و nun (M). فعل در برخی زمان‌ها تمایز بین مذکر و مؤنث را در سوم شخص مفرد نشان می‌دهد. زرگری (۱۳۸۸: ۲۹۸) ضمن اشاره به وجود جنسیت مذکر و مؤنث در گویش جوشقانی می‌گوید: «در این زبان در آخر اسامی مذکر فتحه و در آخر اسامی مؤنث کسره می‌آید.» در ادامه مثال‌هایی از اسم-های مذکر و مؤنث را به همراه نشانه مربوط می‌آورد و به همین مقدار اکتفا می‌کند.

2. Audring

1. Zande

2. Dyrball

3. Schafroth

۳. جنسیت و انتساب آن در گویش جوشقانی

مقوله جنسیت در بسیاری از زبان‌های هندواروپایی یافت می‌شود. در تعدادی از آنها دو نوع و در برخی سه نوع جنسیت متفاوت وجود دارد. زبان‌هایی هم وجود دارند که در آنها جنسیت از بین رفته و در برخی مانند زبان اسلونی جنسیت‌های جدیدی در زبان ایجاد شده است. از جمله زبان‌هایی که در رده‌شناسی جنسیت اهمیت زیادی دارند، می‌توان از زبان‌های تامیل و تلوگو* در جنوب هند نام برد. جنسیت به غیر از زبان‌های هندواروپایی در دیگر شاخه‌های زبان‌های دنیا نیز یافت می‌شود. سه خانوادهٔ زبانی آفریقایی به نام خوازی^۱، نیل - صحرائی^۲ و نیجر - کوردوفانی^۳ دارای نظام جنسیت هستند. در آمریکا تعداد کمی از زبان‌ها دارای نظام جنسیت هستند که اینها نیز عموماً زبان‌های مستقلی می‌باشند. البته مهم‌ترین استثناء زبانهای خانوادهٔ آگونگی** هستند که دارای جنسیت دوگانه‌اند. آنچه که به عنوان معیار تعیین جنسیت در زبان‌ها مدنظر قرار می‌گیرد، مطابقت^۴ می‌باشد که طبق تعریف هاکت (۱۹۵۸) در رفتار لغات مرتبط انعکاس می‌یابد. مطابقت نه تنها در صفت و فعل نمایان می‌گردد، بلکه در برخی زبان‌ها در قیدها، اعداد و گاهی هم حتی در حروف ربط وابسته‌ساز نیز یافت می‌شود.

انتساب جنسیت عبارت است از تخصیص نوع خاصی از جنسیت به اسم که در مورد اسم انسان و جاندارانی که جنسیت طبیعی آنها مشخص است، معمولاً جنسیت طبیعی و دستوری برهم منطبق می‌باشند؛ اما در مورد دیگر اسم‌ها از قواعد خاصی در زبان‌های مختلف دنیا استفاده می‌شود. این قواعد ممکن است براساس معنای اسم و یا این که با توجه به صورت ظاهری کلمه باشد. پیرامون چگونگی تشخیص جنسیت اسمی توسط گویش‌وران، گروهی اعتقاد دارند که آنان جنسیت اسم‌ها را به ذهن خود می‌سپارند. با وجود این که این نظر خیلی غیرمحمتمل به نظر می‌رسد، بسیاری از زبان‌شناسان آن را می‌پذیرند. به عنوان مثال بلومفیلد (۱۹۳۳: ۲۸) ادعا می‌کند که: «هیچ معیار علمی که توسط آن جنسیت اسمی در زبان آلمانی، فرانسه و یا لاتین مشخص شود، وجود ندارد.» (کوربت ۱۹۹۱)

1. Telugu

2. Khoisan

3. Nilo-Saharan

4. Niger-Kordofanian

4. Algonguian

5. agreement

۱.۳. نظام معنایی

در برخی نظام‌های انتساب جنسیت، با دانستن معنای کلمه می‌توان جنسیت آن را مشخص نمود. این‌گونه نظام‌های انتساب جنسیت در خانواده زبان‌های دراویدی یافت می‌شود. در زبان تامیل اسم‌ها دو گونه‌اند: ذی‌شعور* و فاقدشعور^۱ (خنثی) و ذی‌شعورها دو دسته‌اند: مذکر و مؤنث. به این گونه نظام‌ها، نظام جنسیت طبیعی نیز اطلاق می‌شود. در جدول (۱) معیار انتساب جنسیت در زبان تامیل نشان داده شده است.

مثال	جنسیت	معیار
مرد aarɪ	مذکر (ذی‌شعور مذکر)	خدا و انسان‌های مذکر
زن peɪ	مؤنث (ذی‌شعور مؤنث)	الهه و انسان‌های زن
درخت maram	خنثی (فاقدشعور)	بقیه

جدول ۱. انتساب معنایی جنسیت در زبان تامیل (کوریت ۱۹۹۱: ۹)
همان‌طور که در این نظام ملاحظه می‌شود، سه نوع جنسیت مذکر، مؤنث و خنثی وجود دارد که با دانستن معنای اسم و قرارداد در هر یک از گروه‌های ذکر شده، جنسیت آن به راحتی مشخص می‌گردد. کوریت (۲۰۰۷) متذکر شده است که می‌توان تمامی نظام‌های انتساب جنسیت را معنایی دانست زیرا جنسیت اساساً یک مفهوم معنایی است.

۲.۳. نظام‌های صوری

نظام‌های صوری^۲ در زبان‌هایی که دارای جنسیت دستوری می‌باشند، به دو دسته نظام‌های ساخت‌واژی و آوایی تقسیم می‌شوند. تفاوت بین این دو نظام در برخی موارد خیلی مشخص نیست. قواعد آوایی فقط به یک صورت اسم اشاره می‌کند؛ به عنوان مثال اسم‌هایی که به یک واکه ختم می‌شوند، در حالت مفرد، مؤنث هستند؛ ولی قواعد ساخت‌واژی به بیش از یک صورت اسم تعلق دارند. قواعد ساخت‌واژی از دو جهت با قواعد معنایی مرتبط هستند: اولاً، قواعد معنایی هسته قواعد ساخت‌واژی می‌باشند و ثانیاً، در جاهایی قواعد ساخت‌واژی با قواعد معنایی بر هم منطبق هستند.

1. rational

2. non-rational

3. Formal systems

کوریت (۲۰۰۷) زبان روسی را نمونه‌ای از انتساب ساختواژی معرفی نموده است. به طور مثال در این زبان کلمه *šoltandec* به معنی «مرد اسکاتلندی» یک واژه مذکر است؛ هم‌چنین هر کلمه‌ای که دارای پسوند *dec* می‌باشد، مذکر است و کلماتی که به *ka* ختم می‌شوند، مانند *šoltandka* «زن اسکاتلندی» مؤنث هستند. در مواردی نیز قواعد ساخت‌واژی با معنایی بر هم منطبق نیستند. قواعد آوایی در مواردی مطرح می‌شوند که انتساب جنسیت در اسم به آوایی خاص و یا به محل تکیه در اسم مربوط شود. زبان غفار^۱ که یک زبان آفریقایی-آسیایی است و در جیبوتی و اریتره تکلم می‌شود و از خانوادهٔ زبان‌های کوشی^۲ است، از نظام آوایی برای نشان دادن جنس استفاده می‌کنند. در این زبان دو جنسیت وجود دارد: (۱) اسم‌هایی که صورت استنادی^۳ آن‌ها به واژهٔ دارای تکیه ختم می‌شود مؤنث مؤنث هستند مانند: *catò* (کمک) و *karmà* (پاییز) و (۲) دیگر اسم‌ها مذکر می‌باشند که دو احتمال وجود دارد: (الف) اسم‌های مختوم به همخوان مانند: *cedèr* (وقت شام) و (ب) آن‌هایی که صورت استنادیشان به واژهٔ غیرتکیه‌دار ختم می‌شود مانند: *tàmu* (مزه) (کوریت ۲۰۰۷).

۳.۳. جنسیت آشکار و پنهان

زبان‌هایی که جنسیت اسم در صورت ظاهری آن مشخص است، اغلب دارای جنسیت آشکار^۴ و زبان‌هایی که جنسیت اسم در آنها در صورت کلمه ظاهر نمی‌شود، دارای جنسیت پنهان^۵ می‌باشند. بنابراین زبان‌هایی که دارای نظام انتساب صوری (ساخت‌واژی یا آوایی) می‌باشند، دارای جنسیت آشکارند. البته تمایز بین دو نظام جنسیت پنهان و آشکار خیلی دقیق نیست و نمی‌توان زبانی را کاملاً آشکار یا پنهان نامید؛ بلکه در این‌جا با یک پیوستار مواجه می‌باشیم. زبان روسی دارای جنسیت آشکار است و اسم‌هایی که به *-o* ختم می‌شوند، به طور طبیعی خنثی هستند مانند *vino* (شراب) و *utro* (صبح). اگر اسمی به *-a* ختم شود، معمولاً مؤنث است (مانند *škula* "مدرسه" و *voda* "آب") و اگر به همخوان ختم شود، ممکن است مذکر یا مؤنث باشد (مانند *noč* "شب" مؤنث و *flag* "پرچم" مذکر). البته این پدیده در مورد حالت فاعلی صادق است.

^۱ Qafar

^۲ Cushitic

^۳ Citation form

^۴ Overt

^۵ Covert

۴. جنسیت در گویش جوشقانی

در نظام معنایی تعیین جنسیت، معنای اسم نوع جنسیت آن را مشخص می‌کند. البته این جنسیت می‌تواند جنسیت طبیعی و یا مجازی برای اشیاء و غیرجانداران باشد. در گویش جوشقانی برای اسامی جاندارانی که جنسیت طبیعی مؤنث یا مذکر دارند اسم‌های خاص آن جنسیت در نظر گرفته می‌شود و بنابراین جنسیت این اسامی مشخص است. جنسیت مذکر برای اسم‌های نر مربوط به انسان و برخی موجودات جاندار به کار می‌رود. نمونه‌هایی از اسامی که جنسیت آنها تابع نظام معنایی است، در جدول (۲) آمده است.

اسامی مؤنث	اسامی مذکر
janæ , jan (زن)	merd , meræ (مرد)
dotæ , dot (دختر)	püræ , pür (پسر)
ārus (عروس)	zumā (داماد)
pirejan (پیرزن)	piremerd (پیرمرد)
kærg (مرغ)	rus (خروس)
gā (گاو)	værzā , malæ (گاو نر)
boz (بز)	dobor (بز نر)
miš (میش)	quč (قوچ)

جدول ۲. جنسیت مؤنث و مذکر برای اسم‌های انسان و برخی جانداران

در میان دیگر جانداران اسم‌هایی وجود دارد که بدون توجه به جنسیت طبیعی آنها با یکی از دو جنسیت مذکور بیان می‌شوند. این اسامی در زیر آستانه تمایز جنسیت* قرار می‌گیرند. آستانه تمایز جنسیت از زبانی به زبان دیگر متفاوت است. در بسیاری از زبان‌ها مانند آرچی^۱ فقط اسم‌های مربوط مربوط به انسان جنسیت خود را براساس جنسیت زیستی می‌گیرند. اما در بقیه زبان‌ها، به خصوص در

^۱. Threshold of sex-differentiability

^۲. Archi

زبان‌های هندواروپایی بسیاری از اسم‌های مربوط به حیوانات تمایز جنس را نشان می‌دهند (مانند کلمه روسی byk "گاونر" و korova "گاو ماده") (کوریت ۱۹۹۱: ۶۸). در جدول (۳) نمونه‌هایی از اسامی این گویش که در زیر آستانه جنسیت هستند نشان داده شده است.

مؤنث	مذکر
Lu (روباه)	værg (گرگ)
mæli (گره)	šæqāl (شغال)
qalā (کلاغ)	mü š (موش)
qæftar (کبوتر)	šir (شیر)
murenje (گنجشک)	peleng (پلنگ)

جدول ۳. برخی اسم‌هایی که در زیر آستانه تمایز جنسیت قرار دارند در میان اشیاء نیز این‌گونه است و می‌توان گفت که تمامی اشیاء دارای جنسیت مذکر یا مؤنث هستند. مثال‌هایی از گروه‌های مختلف اشیاء در زیر آمده است:

مؤنث	مذکر
qalam (قلم)	Ketāb (کتاب)
madād (مداد)	dæftar (دفتر)
xodkār (خودکار)	jozvæ (جزوه)
māžik (ماژیک)	veræq (ورق)
sāw (سیب)	deraxt (درخت)
portæqāl (پرتقال)	šāxæ (شاخه)
gol (گل)	rišæ (ریشه)
šalvār (شلوار)	kot (کت)
šort (شورت)	peran (پیراهن)

tæmmun (نوعی شلوار)	guluʔæ (جوراب)
dæstkeš (دستکش)	jākat (ژاکت)
æljak (دستکش کار)	jir perani (زیرپیراهن)
kolā (کلاه)	kāpšan (کاپشن)

جدول ۴. جنسیت در برخی از اشیاء در گویش جوشقانی

۱. ۴. معیارهای تعیین جنسیت معنایی

در نظام معنایی برخی از زبان‌ها مشاهده می‌کنیم که تعیین جنسیت اشیا و جانداران غیرانسان که در زیر آستانه جنسیت قرار دارند، براساس معیارهای خاصی می‌باشد. از جمله این معیارها می‌توان به اندازه، افسانه‌های محلی و همراهی شیء با شیئی دیگر و... اشاره نمود. در گویش جوشقانی نیز ردپایی از معیارهای مذکور را می‌توان یافت؛ ضمن این‌که معیارهایی دیگر را نیز می‌توان به معیارهای مذکور افزود.

۱. ۱. ۴. کوچک و بزرگ بودن

معیار کوچک و بزرگ بودن را در برخی از اسم‌ها می‌توان یافت. طبق این معیار شیء کوچک، مؤنث و شیء بزرگ، مذکر محسوب می‌شود. در مثال‌های زیر این مورد قابل مشاهده است:

مؤنث	مذکر
kore (زمین کوچک)	zamin (زمین کشاورزی)
jædi-e (جاده فرعی)	jædi-æ (جاده اصلی)
kamar-e (تپه)	kamar-æ (کوه بزرگ)
ju (جوی آب)	ruxunæ (رودخانه)
xoršidi (پنجره کوچک)	panjeræ (پنجره)
kerm (کرم)	mār (مار)
pank-iye (پنکه دستی)	pankæ (پنکه سقفی)

جدول ۵. معیار کوچکی و بزرگی در تعیین جنسیت

1. ruxun-iyā por-e ʔu æ.

river-DEF.MASC full-of water is.MASC

رودخانه پر از آب است.

2. ju-e por-e ʔu æsta.

ditch-DEF.FEM full-of water is.FEM

جوی پر از آب است.

این معیار برای اشیاء کوچک مانند قلم، خودکار، مداد، سوزن، دگمه، باتری و... نیز می‌تواند مصداق داشته باشد. در مورد اسم حشرات نیز این معیار را می‌توان یافت. mæš (مگس)، maru (پشه) و kek (کک)، مؤنث و malax (ملخ)، æqrab (عقرب) و xærjexādā (خرخاکی) مذکر می‌باشند.

3. malax-æ ārparā-Ø.

grasshopper-DEF.MASC jumped-MASC

آن ملخ پرید.

murčunæ (مورچه) و murunæ (موریانه) به صورت مذکر به کار می‌روند که همان‌طور که در بحث انتساب آوایی ذکر خواهد شد، توجیه آن این است که این کلمات به آوای /æ/ ختم می‌شوند و این‌گونه کلمات عمده‌تاً مذکر می‌باشند. این توجیه در مورد کلماتی مثل dondæ (زنبور) و xāgezæ (عنکبوت) نیز صادق است که هر دو مذکرند.

۴. ۱. ۲. همراهی مفهومی

همراهی مفهومی نیز در تعیین جنسیت برخی از اسم‌ها قابل مشاهده است. mesvāk (مسواک) و xamirdandun (خمیردندان) هر دو در همراهی با دندان به صورت مؤنث هستند ولی sunæ (شانه) در کنار mü (مو) مذکر است. jozvæ (جزوه) نیز در کنار ketāb (کتاب) جنسیت مذکر دارد. مواردی از همراهی اسم‌ها با هم‌دیگر که منجر به استفاده از یک نوع جنسیت می‌شود، در جدول زیر آمده است.

مؤنث	مذکر
ketri (کتري)، samāvar (سماور)، quri (قوري)	livān (ليونان)، estekān (استگان)، nælbeki (نعلبکی)
miz (میز)، nimkat (نیمکت)، asali (عسلی)	ṭu (آب)، čāyi (چای)، qæhvæ (قهوه)، ṭumivæ (آبمیوه)، neskāfæ (نسکافه)
šælvār (شلوار)، šort (شورت)، lvārakšæ (زیرشلواری)، šælvārkordi (شلوارک)، garmkon (گرمکن)، sāport (سایپورت)، jurābšælvāri (جوراب-شلواری)، sāqšælvāri (ساق‌شلواری)	palāw (پلو)، xorešd (خورشت)، čelowkabāb (چلوکباب)، dampoxst (دم‌پخت)، و دیگر غذاها

جدول ۶. همراهی مفهومی برای تعیین جنسیت

۴.۱.۳. گسترش جنسیت

جنسیت یک اسم ممکن است برای اسم‌هایی شبیه به آن از لحاظ ظاهری و یا کاربرد گسترش - یابد. جنسیت مؤنث komod (کمد) به kābīnet (کابینت) و drāver (دراور) نیز که لغات دخیل به این گویش شمرده می‌شوند، گسترش می‌یابد. البته جنسیت کمد نیز از جنسیت مؤنث sondoq (صندوق) و čamadun (چمدان) گرفته می‌شود. کلمه māžik (ماژیک) جنسیت مؤنث خود را از madād (مداد) و xodkār (خودکار) گرفته است. kel (کلید) که مؤنث محسوب می‌شود، برای کلید برق و یا سویچ ماشین نیز همین جنسیت را دارد. ملاحظه می‌کنید که اسم‌های ورودی از زبان‌های دیگر نیز همان جنسیت را می‌گیرند؛ یعنی در اینجا معیار معنایی جنسیت را تعیین می‌کند و نه معیار صوری.

<p>گسترش جنسیت مؤنث از <i>dærzan</i> (سوزن) به: <i>sorom</i> (سوزن)، <i>āmpul</i> (آمپول)، <i>suzan</i> (سرهم)</p>	<p>گسترش جنسیت مؤنث از <i>čorā</i> (چراغ) به: <i>gersuj</i> (گردسوز)، <i>lompā</i> (نوعی چراغ قدیمی)، <i>čorādsti</i> (فانوس)، <i>čorāstur</i> (چراغ توری)، <i>lamp</i> (لامپ)، <i>mahtābi</i> (مهتابی)، <i>luster</i> (لوتری)، <i>perežektor</i> (پروژکتور) و دیگر لوازم روشنایی</p>
<p>گسترش جنسیت مؤنث از <i>kæpsul</i> (کپسول) به: <i>Kæpsul-e gāz</i> (کپسول گاز)، <i>capsule</i> (کپسول اکسیژن)، <i>oksižen</i></p>	

جدول ۷. مواردی از گسترش جنسیت

۴. ۱. ۴. جنسیت افسانه‌ای

در برخی از زبان‌ها افسانه‌ها و داستان‌های محلی در تعیین جنسیت اسم‌ها تأثیر دارند. شخصیت‌های داستانی بویژه جانوران که در افسانه‌ای دارای جنسیت خاصی باشند، در جهان واقعیت نیز همان جنسیت را دارا می‌باشند. در گویش جوشقانی نیز این رویه کارکرد دارد. جنسیت مؤنث برای *lu* (روبا) شاید به این علت باشد که در داستان‌ها و افسانه‌ها روباه بیشتر در نقش زانی قرار می‌گیرد که سعی می‌کنند با حيله دیگران را فریب دهند. کلمه «خورشید» نیز در اکثر افسانه‌ها به صورت «خورشیدخانم» به کار می‌رود و به نظر می‌رسد جنسیت مؤنث خود را از این افسانه‌ها گرفته باشد.

۴. ۲. نظام صوری

در گویش جوشقانی نظام صوری انتساب جنسیت تنها به صورت آوایی می‌باشد. بر اساس نظام آوایی در بسیاری از کلمات، آوای انتهایی واژه در صورت استنادی می‌تواند تعیین‌کننده جنسیت آن واژه باشد. در این گویش اسم‌هایی که دارای جنسیت طبیعی نیستند و صورت استنادی آن‌ها به واکه /æ/ ختم می‌شود جنسیت مذکر دارند و آن‌هایی که به واکه /e/ ختم شوند، دارای جنسیت مؤنث هستند. البته استثنائاتی وجود دارند که می‌توان برای آن‌ها توجیهاات قابل قبولی بیان نمود. مثال‌های زیر بیانگر اسم‌های مؤنث است که در صورت استنادی خود به واکه /e/ ختم می‌شوند:

gowje (گوجه)، lāpašte (لاک‌پشت)، gondole (گلوله کاموا و...)، muske (نوعی گیاه)، dare (داس)، kü le (خمره سفالی کوچک)، sü ne (تغار)، šiše (بطری شیشه‌ای)، pile (پماد)، mü re (مهره)، iyye (جو)، qædele (کاسه کوچک)، be (به)، ze (زه).

سمباده	sombādæ	کافه	kāfæ	رودخانه	ruxunæ
گاله	gālæ	پرده	pærdæ	خانه	kiæ
گیوه	givæ	پونه	pūdūnæ	شانه	šunæ
جیوه	jivæ	ستاره	ostoræ	صبحانه	sobunæ
(آغل زیرزمینی)	kendæ	دوچرخه	dočærx æ	قرقره	qerqer æ
خنده	xendæ	شاخه	šāxæ	دسته	dæstæ
پله	pellæ	قوره	quræ	خیمه	xaymæ
دمبه	dombæ	رنده	randæ	زنبور	dondæ

جدول ۸. اسم‌هایی که به واکه /æ/ ختم می‌شوند و مذکر می‌باشند.

البته اسم‌های دیگری نیز به این واکه ختم می‌شوند که مذکر می‌باشند و در این جا ذکر نشده‌اند. در این میان استثناء نیز وجود دارد. روزهای هفته که به واکه /e/ ختم می‌شوند، مذکر هستند. شاید علت آن این است که این کلمات در اصل به /æ/ ختم می‌شده‌اند ولی مرور زمان و فرآیند تبدیل /æ/ به /e/ در انتهای کلمه (که در فارسی بسیار رایج است و در برخی مناطق ایران به طور کامل عمل کرده (مدرسی ۱۳۶۸: ۱۷۸)) این اختلاف را باعث شده است. کلمه‌ی qolvæ (قلوه) نیز به صورت مؤنث به کار می‌رود که دلیل آن این است که معادل جوشقانی آن یعنی vek، مؤنث است و جنسیت آن به قلوه نیز انتقال یافته است.

۴. ۳. جنسیت در اسم

در گویش جوشقانی تظاهر وند جنسیت در زمانی است که اسم در حالت معرفه باشد. البته اسم‌هایی نیز وجود دارند که با وجود معرفه‌بودن پسوند جنسیت برای آن‌ها به کار نمی‌رود و فقط از نظام معنایی برای تعیین جنسیت آن‌ها استفاده می‌شود که در جای خود به آن‌ها پرداخته خواهد شد. پسوندی که برای نشان‌دادن جنسیت مذکر به کار می‌رود، پسوند -æ- و برای جنسیت مؤنث -e- می‌-

باشد. می‌توان گفت که این پسوندها وظیفهٔ دوگانه‌ای دارند و در بسیاری از موارد نقش معرفه‌سازی و جنسیت را با هم برعهده دارند. در واقع، می‌توان گفت تکواژهای بیان جنسیت چند وجهی هستند.

مؤنث	مذکر
jan-e (زن)	pür-æ (پسر)
qalam-e (قلم)	ketāb-æ (کتاب)
pol-e (پل)	daftar-æ (دفتر)
pārč-e (پارچ)	šir-a (شیر)
mælü-e (گرابه)	kamar-æ (کوه)
kel-e (کلبد)	peran-æ (پیراهن)

جدول ۹. پسوند اسم‌های مذکر و مؤنث

در صورتی که اسمی به واکهٔ /æ/ ختم شود از وند -iyæ برای مذکر و -iye برای مؤنث استفاده می‌شود.

مؤنث	مذکر
älüčæ → älüč-iye (آلوچه)	ruxunæ → ruxun-iyæ (رودخانه)
hærbizæ → hærbiz-iye (خریزه)	lülæ → lül-iyæ (لوله)
jütjæ → jütj-iye (جوچه)	malæ → mal-iyæ (گاونر)

جدول ۱۰. اسم‌های مختوم به واکه‌ی /æ/

برای اسم افراد نیز این پسوند استفاده می‌شود که در این‌جا فقط می‌توان نقش جنسیت را به آن نسبت داد؛ زیرا اسم فرد همیشه معرفه است و نمی‌تواند به صورت نکره استفاده شود.

Mæryam-e (مریم)	ʔæli-æ (علی)
Zeynab-e (زینب)	Æhmad-æ (احمد)

جدول ۱۱. نشانه‌ی جنسیت در اسم افراد

اگر اسم زنی به واکه‌ی /æ/ ختم شود این واکه به /e/ تبدیل می‌شود:
 Hamidæ → Hamid-e (حمیده) Mærziya → Mærziy-e (مرضیه)
 Rāziyæ → Rāziy-e (راضیه) Mohæddesæ → Mohæddes-e (محدثه)
 اسم‌هایی که از زبان‌های دیگر وارد این گویش می‌شوند، از این قاعده مستثنی نیستند و در یکی از دو جنسیت ظاهر می‌شوند.

مؤنث	مذکر
lāmp-e (لامپ)	kāmpiyuter-æ (کامپیوتر)
kæpsul-e (کپسول)	felæš-æ (فلش)
sāk-e (ساک)	kontorol-æ (کنترل)
suʔič-e (سوئیچ)	rādiyun-æ (رادیو)
ferizer-e (فریزر)	telefon-æ (تلفن)
gāz-e (اجاق‌گاز)	māšin-æ (اتومبیل)

جدول ۱۲. جنسیت در وام‌واژه‌ها

۴. ۴. اسم‌هایی که در هر دو جنسیت ظاهر می‌شوند
 بیشتر اسم‌هایی که نشان‌دهنده‌ی شغل‌هایی هستند که هم برای مردان و هم برای زنان می‌باشند، از این دسته‌اند: doktor (دکتر)، mohandes (مهندس)، parastār (پرستار)، kārmand (کارمند) و این اسم‌ها هم با پسوند جنسیت مذکر و هم با مؤنث استفاده می‌شوند:
 parastār-e (پرستار زن)، parastār-æ (پرستار مرد)، doktor-e (دکتر مرد)، doktor-e (دکتر زن)

در مورد اسم حیوانات نیز گاهی این اتفاق می‌افتد. کلمهٔ *asb* (اسب) هم می‌تواند به اسب ماده و هم نر اطلاق شود. به صورت پیش‌فرض این اسم به صورت مؤنث به کار می‌رود؛ ولی می‌تواند با پسوند جنسیت مذکر نیز بیاید. البته همان‌طور که قبلاً گفته شد، کلمهٔ *mādiyü n* (مادیان) نیز به اسب ماده گفته می‌شود.

۴. ۵. اسم‌هایی با معانی مختلف و جنسیت‌های متفاوت

تعدادی از اسم‌ها در این گویش وجود دارند که دارای جنسیت‌های متفاوتی برای بیان معانی مختلف هستند. این مورد در اسم میوه‌ها بسیار اتفاق می‌افتد. *portæqāl-e* به معنی یک عدد پرتقال خاص است که مؤنث است، ولی *portæqāl-æ* به معنی مجموعه‌ای از پرتقال که به صورت یک جعبه یا مجموعهٔ پرتقال‌های یک باغ و یا یک پاکت پرتقال که یک نفر خریده‌است، می‌باشد. گاهی نیز حالت اخیر به درخت پرتقال اطلاق می‌شود:

4. *portæqāl-e sawz asta.*

orange-DEF.FEM green is.FEM

آن پرتقال سبز است.

5. *portæqāl-ā gerun (h)æ.*

orange-DEF.MASC expensive is.MASC

آن پرتقال (ها) گران است.

درمثال دوم منظور این است که آن جعبه یا آن کیسهٔ پرتقال سنگین است. در مورد کلمهٔ *hendunæ* (هندوانه) نیز اگر منظور یک عدد هندوانه در بسته باشد، دارای جنسیت مؤنث و در صورتی که منظور مجموعه‌ای از هندوانه‌ها باشد و یا قاچ‌های هندوانه بر روی بشقاب در نظر باشد، از جنسیت مذکر برخوردار است:

6. *hendun-īye bašār.*

watermelon-DEF.FEM bring

آن هندوانه را بیاور.

7. *hendun-iyæ baxor.*

watermelon-DEF.MASC eat.

هندوانه را بخور.

مؤنث	مذکر
[یک عدد] piš-e [تخمه]	[مجموعه‌ای از] piš-iyæ [تخمه]
[یک عدد] hærbiz-iyæ [خربزه]	[مجموعه یا قاق‌هایی از] hærbiz-iyæ [خربزه]
[یک عدد] xiāl-e [خیار]	[مجموعه‌ی] xiāl-æ [خیار]
[یک عدد] mowz-e [موز]	[مجموعه‌ی] mowz-æ [موز]
[یک عدد] kiwi-e [کیوی]	[مجموعه‌ی] kiwi-æ [کیوی]
[یک عدد] gilæs-e [گیلاس]	[مجموعه‌ی] gilās-æ [گیلاس]
[یک عدد] gol-e [گل]	[مجموعه‌ای از گل‌ها و یا تمام گل‌های باغ] gol-æ

جدول ۱۳. اسم‌هایی با جنسیت دوگانه

چنین موردی در زبان شغنی-روشنی توسط باربرا (۲۰۰۱: ۱۳) گزارش شده است. وی در این مورد می‌نویسد: «در زبان شغنی-روشنی که زیرگروه زبان‌های پامیری است، اسم‌های درختان میوه، دانه‌ها، سبزیجات و برخی دیگر از اقلام زمانی که به عنوان یک نماینده مفرد از طبقه‌شان در نظر گرفته می‌شوند، مؤنث محسوب می‌شوند ولی زمانی که به عنوان یک مجموعه محسوب می‌شوند مذکر هستند.» مثال:

8. dum māwm mu-r dāk

the.FEM apple.SG me-to give

سیب را به من بده.

9. day māwm tar bōzōr yōs

the.MASC apple.SG to bazar bring

سیب‌ها را به بازار بیاور.

۴. ۷. تعیین تعداد تمایزهای جنسیت در گویش جوشقانی

برای تعیین جنسیت، همان‌طور که در بخش قبل گفتیم، باید اسم‌های مختلف را در موقعیت‌های یکسان از لحاظ دستوری بررسی کرد و دید که در این موقعیت‌ها اسم‌ها چه پسوند‌هایی می‌گیرند. ابتدا موقعیت صفت را به صورت توصیف‌کننده برای اسم در نظر می‌گیریم:

10. nin pür-e bāhuš-æ

this boy-of smart-MASC

این پسر باهوش

11. nin dot-e bāhuš-e

this girl-of clever-FEM

این دختر باهوش

12. nin raz-e gord-æ

this garden large-MASC

این باغ بزرگ

13. nin yaxčāl-e gord-e

this fridge-of big-FEM

این یخچال بزرگ

در مثال‌های فوق پس از اسم‌های pür و raz صفت با پسوند -æ و بعد از dot و yaxčāl صفت با پسوند -e به کار رفته است. بنابراین در این جا دو اسم اول دارای یک پسوند یکسان و دو اسم دوم نیز دارای یک پسوند مشابه می‌باشند. در این حالت برای دو اسم اول یک نوع جنسیت و برای دو اسم بعدی نیز نوع دیگری از جنسیت قائل می‌شویم که در مورد اول، مذکر و در دومی، مؤنث می‌باشد. در داده‌های زیر فعل «بودن» را بررسی می‌کنیم:

14. kæl-æ boland æ.

wall-MASC tall is.MASC

آن دیوار بلند است

15. salt-e boland asta

ladder-FEM tall is.FEM

آن نردبان بلند است

16. jan-e boland asta

woman-FEM tall is.MASC

آن زن بلندقد است.

17. Terun-Ø Šoluq æ.

Tehran-DEF crowded is.MASC

تهران شلوغ است.

در مثال‌های فوق کلمه‌های kæl و pür در جمله با فعل æ (است) به کاررفته‌اند و salt و jan نیز با فعل asta (است) و Terun نیز دوباره با فعل æ تطابق دارد. از طرف دیگر به اسم‌های pür و kæl پسوند æ- و به اسم‌های salt و jan پسوند e- اضافه شده ولی Terun پسوند Ø- گرفته است.

وند اسم	فعل
-æ	Æ
-e	Asta
-Ø	Æ

جدول ۱۴. نشانه‌های جنسیت در اسم و فعل «بودن»

علی‌الظاهر باید سه نوع جنسیت را برای گویش جوشقانی در نظر گرفت و مورد سوم را جنسیت خنثی برشمرد زیرا سه نوع تطابق وجود دارد؛ ولی با توجه به این که مورد سوم همان اسم‌هایی را شامل می‌شود که در حالت معرفه می‌توانند پسوند جنسیت بگیرند، نمی‌توان برای این گونه اسم‌ها جنسیت سومی قائل شد. از طرف دیگر برای اسم‌هایی مانند اسم شهر یا کشور هیچ‌گونه تطابق جدیدی به غیر از تطابق جنسیت مذکر نمی‌توان یافت. بنابراین می‌توان فرض نمود که این اسم‌ها به دلیل این که اضافه کردن نشانه معرفگی به آن‌ها امکان‌پذیر نیست، نشانه جنسیت نیز نمی‌گیرند؛ زیرا که این دو باهم می‌آیند.

در مثال‌های زیر از اسم‌های جمع در عبارات اسمی استفاده شده است:

18. nin pür-e bāhuš-un

this boy-of clever-PL

این پسرهای باهوش

19. nin dot-e vekār-iyun

this girl-of unemployed-PL

این دخترهای بیکار

صفت ها در حالت جمع پسوند جمع -un یا -iyun می‌گیرند و دیگر جنسیت مذکر یا مؤنث در آنها وجود ندارد. بنابراین نظام جنسیت را در گویش جوشقانی به این صورت می‌توان نشان داد. در مورد تطابق فعل در جمع نیز این‌گونه می‌باشد و نشانه جمع برای فعل در مؤنث و مذکر تفاوتی نمی‌کند:

20. kæl-un boland hinda

wall-PL tall are

دیوارها بلند هستند.

21. pü r-iyun boland hinda

boy-PL tall are

پسرها قد بلند هستند.

در این‌جا برای همه‌ی اسم‌ها در حالت جمع پسوند -un یا -iyun اضافه شده و شکل فعل نیز برای همه یکسان است. برخی اسم‌ها تنها به صورت مفرد و برخی دیگر نیز فقط به شکل جمع می‌آیند مانند کلمهٔ mærdom (مردم) که همیشه جمع است و تطابق جمع می‌گیرد؛ بنابراین فاقد جنسیت معینی است. این‌گونه اسم‌ها را اسم‌های ناقص می‌نامند. با توجه به داده‌های زبانی، نظام جنسیت در گویش جوشقانی همگرا می‌باشد. زیرا تعداد جنسیت در مفرد بیش از جمع است.

۵. جنسیت در گویش جوشقانی و جهانی‌های گرینبرگ

از مجموع ۴۵ جهانی گرینبرگ، ۷ جهانی یعنی جهانی‌های ۳۲، ۳۱، ۳۶، ۳۷، ۴۳، ۴۴، و ۴۵ مربوط به جنسیت در زبان‌های جهان می‌باشد. در اینجا این جهانی‌های تلویحی آمده است. جهانی (۳۱): اگر فاعل یا مفعول با فعل از لحاظ جنسیت مطابقت داشته باشد، صفت نیز با اسم از نظر جنس مطابقت خواهد داشت.

جهانی (۳۲): هر گاه فعل با فاعل یا مفعول در جنس مطابقت کند در شمار نیز مطابقت خواهد داشت.

جهانی (۳۶): اگر زبانی مقوله جنس داشته باشد دارای شمار نیز خواهد بود.

جهانی (۳۷): هیچ زبانی در شمار غیر مفرد تمایز جنسیت بیشتر از مفرد ندارد.

جهانی (۴۳): اگر زبانی دارای جنسیت در اسم باشد در ضمیر نیز جنسیت خواهد داشت.

جهانی (۴۴): اگر زبانی دارای تمایز جنسیت در اول شخص باشد همواره دارای تمایز جنسیت در

دوم شخص و سوم شخص یا هر دو خواهد بود.

جهانی (۴۵): اگر زبانی تمایز جنسیت را در ضمیر جمع نشان دهد در ضمیر مفرد نیز چنین خواهد بود.

با توجه به آنچه در این مقاله بیان گردید، معلوم می‌گردد که تمام جهانی‌های گرینبرگ در این گویش صادق هستند. جمله‌های (۱۰-۱۳) نشان می‌دهد که صفت با اسم از نظر جنسیت مطابقت دارد؛ بنابراین جهانی (۳۱) در این گویش صادق است. در این گویش جنسیت وجود دارد و شمار نیز وجود دارد؛ پس جهانی (۳۶) نیز صادق است. در این گویش چنان‌که پیشتر اشاره گردید، اسم در شمار مفرد دو صورت مذکر و مؤنث دارد اما در جمع جنسیت مطرح نیست. این ویژگی بر اساس جهانی (۳۷) گرینبرگ است که تعداد جنسیت در جمع کمتر از جنسیت مفرد است.

در مورد جهانی (۴۴) و (۴۵) باید گفت که در این گویش اول شخص و دوم شخص جنسیت ندارند و فقط سوم شخص دارای جنسیت است. همچنین این گویش در ضمیر جمع تمایز جنسیت نشان نمی‌دهد. در ظاهر امر ممکن است این ویژگی‌ها ناقض جهانی‌های مذکور به نظر آیند. اما چنان‌که رضایی و بهرامی (۱۳۹۴: ۴۸) اشاره نموده‌اند، در جهانی‌های تلویحی تنها رابطه یک‌طرفه میان مؤلفه‌های گزاره برقرار است. اگر زبانی دارای خاصیت^x باشد، همواره دارای خاصیت^y نیز خواهد بود، ولی عکس آن الزاماً صادق نیست. به بیان دقیق‌تر، در حالی که خاصیت^x متضمن خاصیت^y است، هرگز نمی‌توان انتظار داشت که خاصیت^y نیز متضمن خاصیت^x باشد؛ بنابراین، وجود جنسیت در سوم شخص متضمن وجود آن در اول یا دوم شخص نیست.

۶. نتیجه

گویش جوشقانی دارای مقوله جنسیت دستوری است که در برخی گویش‌های دیگر ایرانی نیز قابل مشاهده است. در این گویش برای تمامی اسامی معرفه دو نشانه یا وند وجود دارد؛ یکی برای اسامی مذکر و دیگری برای اسامی مؤنث. نشانه جنسیت مذکر *æ* و مؤنث *e* می‌باشد. اسامی جدیدی نیز که وارد این گویش می‌شوند، در حالت معرفگی نشانه‌های مذکر و مؤنث می‌گیرند. همه اسامی جاندارانی که نر و ماده زیستی می‌باشند نیز وند مذکر و مؤنث براساس جنسیت زیستی خود می‌گیرند. با این حال جنسیت اختصاص به جانداران ندارد و اشیاء نیز به دو دسته مؤنث و مذکر تقسیم می‌شوند. در این گویش جنسیت خنثی وجود ندارد.

انتساب جنسیت در گویش جوشقانی براساس معیارهای معنایی چون جنسیت زیستی، بزرگی و کوچکی، همراهی مفهومی، جنسیت افسانه‌ای، گسترش جنسیت و نیز عوامل صوری چون آواهای خاص در انتهای اسم می‌باشد. اسم‌هایی که صورت استنادی آن‌ها به *e* ختم می‌شود، عمدتاً مؤنث و آنهایی که به *æ* ختم می‌شوند، اکثراً مذکرند. این نکته در مورد اسم‌های قرضی از زبان‌های دیگر نیز

صدق می‌کند. شایان ذکر است که در گویش جوشقانی اسم از لحاظ جنسیت با صفت، فعل و ضمائر مطابقه دارد. با این حال این مقاله صرفاً به نظام ساختوازی جنسیت پرداخته و نظام مطابقه مورد بررسی قرار نگرفته است. گویش جوشقانی از لحاظ نظام جنسیتی، همگرا است، زیرا تمایز جنسیت فقط در مفرد وجود دارد و در جمع ظاهر نمی‌شود. گویش‌وران جدید نیز از این وند برای اسامی مذکر و مؤنث استفاده می‌کنند ولی عواملی از قبیل نفوذ زبان فارسی استفاده آن را کمتر از قبل نموده است.

کتاب‌نامه

۱. دبیرمقدم، محمد. (۱۳۹۲). *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی* (جلد دوم). تهران: سمت.
۲. رضایی، والی و فاطمه بهرامی (۱۳۹۴). *مبانی رده‌شناسی زبان*. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۳. زرگری، رحمت‌اله. (۱۳۸۸). *تاریخ، فرهنگ و هنر جوشقان قالی*. آبادان: پرسش.
۴. سبزه‌علیپور، جهان‌دوست. (۱۳۹۲). تمایز جنس مؤنث و مذکر در گویش تاتی خلخال. *زبان‌ها و گویش‌های ایرانی*، ۶۵۲-۸۹.
۵. مدرسی، یحیی. (۱۳۶۸). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
6. Audring, J. (2008). Gender assignment and gender agreement. evidence from pronominal gender language. *Morphology*, 18: 93-116.
7. Barbera, G. (2001). **Exploring grammatical gender in new Iranian languages and dialects**. *Istituto Universitario Orientale*, (pp. 1-19). Naples, Italy.
8. Bloomfield, L. (1933). *Language*. New York: Holt, Rinehart and Winston.
9. Comrie, B. (2001). Different views of language typology. In M. Haspelmath, E. König, w. Oesterreicher & W. Raible(Eds). *Language Typology and Language Universals*, (pp 25-39). Berlin & New York: Walter de Gruyter.
10. Corbett, G. G. (1991). *Gender*. Cambridge: Cambridge University Press.

- 11 . Corbett, G. G. (2007). Gender and noun classes. In T. Shopen, *Language Typology and Syntactic Description* (pp. 241–279). New York: Cambridge University Press.
- 12 . Greenberg, J. H. (1963). Some universals of grammar with particular references to the order of meaningful elements. In J. Greenberg, *Universals of Language* (pp. 73–113). Cambridge: MIT Press.
- 13 . Greenberg, J. H. (1978). How does a language acquire gender markers? In J. H. Greenberg, C. A. Ferguson & E. A. Moravcsik (eds) *Universals of Human Language, 3. Word Structure*. Stanford: Stanford University Press.
- 14 . Heine, B. (1982). African noun class system. In H. S. Lehmann(eds), *Apprehension: Das Sprachliche Erfassen von Genestanden, I. Bericht und Ordnung der Phänomene* (pp. 189–216). Tübingen: Narr.
- 15 . Hockett, C. (1958). *A Course in Modern Linguistics*. New York : Macmillan.
- 16 . Lambton, A. K. (1938). Three Persian Dialects. *James G. Forlung Fund* , XVII, 43–76.
- 17 . Robins, R. H.(1951). *Ancient and Mediaeval Grammatical Theory in Europe*. London: Bell.
- 18 . Schafroth, E. (2003). Gender in French. In M. &. Hellinger, *Gender across languages, 3* (pp. 87–117). Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.
- 19 . Tallerman, M. (2015). *Understanding Syntax*. 4th Edition. London: Hodder Education.
- 20 . Yarshater, E. (1982). «Abyanai». In E. Yarshater, *Encyclo*